تجاوز بزبان فارسی

 آل بویه، ابوالفضل

زبان شیرین فارسی که پایه و رکن اساس ملیت و قومیت و استقلال ما بر آن‏ استوار است محکمتر از آنست که در معرض دستبرد واقع شده و از هجوم جماعتی نادان‏ خللی ببیند.ادبیات ما چنان پایه‏گذاری شده است و این کاخ بقول فردوسی بقدری‏ عظیم و رفیع است که از باد و باران و حوادث روزگار گزند و آسیب‏پذیر نیست.تا فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی و نظامی و غیره آثارشان باقی است زبان و ادبیات ما خلل‏ناپذیر است.ادبیات هیچ ملتی قابل مقایسه با ادبیات فارسی نیست چه حافظ و مولوی در دنیا نظائری ندارند و هیچکس را با آنها نمی‏توان مقایسه کرد.صرفنظر از قرآن کریم که آیات آن آسمانی است و از جانب خداوند کریم بر رسول اکرم نازل‏ شده در ادبیات فارسی مطالبی داریم که همه آنها الهام و وحی است و از آنها میتوان‏ دستور زندگی و ادب و اخلاق و دین و مردم‏داری آموخت.ایران در دنیای خارج مفتخر به ادبیات است که بحر آن وسیع و ژرف و بیکران است.زبان فارسی از دو لحاظ مورد هجوم و حمله و تاخت‏وتاز شده است که غیر قابل گذشت و عفو است.از جهت اول‏ اینکه جماعتی عقب‏مانده و خودسر دارای معلومات ناقص بنام شعر نو الفاظی ساخته‏ و منتشر می‏کنند و کلماتی بدون معنی و غیر قابل درک سرهم ردیف می‏نمایند و تحویل‏ جوانان جامعه می‏دهند.همانطوریکه بین جوانان امروزی بیتل‏بازی و هی‏پی‏گری‏ رسوخ پیدا کرده و عده‏ای بآن گرویده و سر و وضعی مضحک و ناموزون بخود داده‏اند و بی‏ بند و باری را شعار خود نموده‏اند اکثریت نوپردازان همین اسلوب را دنبال نموده‏اند و باید اذعان کرد که این کارها ثباتی ندارد و خود بخود بدون آنکه آثاری از آنها بماند از بین میرود و جامعه خود بخود آنها را طرد می‏نماید اما زیان آن بزبان و ادبیات فارسی قابل چشم‏پوشی نیست،این اشعار نه پند است نه ادب و نه حکمت و نه‏ دستور زندگی و حاوی هیچ مطلب مهم قابل درک نمیباشد و بقول آقای خسرو شاهانی‏ روی سنگ قبر هم نمیتوان از آن استفاده نمود.

مرحله دیگریکه زبان شیرین ما در معرض تعدی و تجاوز درآمده و آن کلماتی‏ است در سرلوحه دکاکین و مغازه‏ها و بنگاه و مؤسسات و مهمانخانه‏ها که در مردم اثر گذاشته و در مردم کلماتی غیر مأنوس و غیر متجانس رفته‏رفته دارد در زبان فارسی رسوخ و نفوذ پیدا می‏کند.اهمیت این قضیه از اهمیت هی‏پی‏گری و شعر بی‏سروته و بی‏معنی‏ سرائی بیشتر است چون می‏بینم که این الفاظ خارجی دارد وارد رگ و مغز و زبان‏ می‏شود تا جائی که برای هر مولود جدید پدر و مادر سعی می‏کنند نامی تازه از کلمات‏ خارجی یا کلماتیکه تلفظ بزبان خارجی باشد بگذارند.

مثلا نام مغازه‏ای شرت نایس است نام دکان دیگر مارسل بلان و نام جای‏ دیگر مولن روژ بطوریکه ملن روژ دیگر یک واژه بیگانه نیست کله‏پزی و سنککی‏ و آجیل‏فروشی مولن روژ شده‏اند-مغازه لاو ولایات بجای دوستی و روشنائی شده‏اند. پلازا و فتوسیتی و گلدن سیتی و چاتانوگا و پاندورا و کوپاکابانا و چارلی و رزماری و از این قبیل حرفها که برای فارسی‏زبانان و ایرانی الاصل واژهء بی‏معنی و خارجی است، در عناوین فارسی ظهور و رسوخ کرده است.کار بجائی رسیده که در جوشقان نام بچه را مرینوس و اسم دکان را چارلی بگذارند و اگر اینکار ادامه پیدا کند رفته‏رفته ژیلبر و مولن روژ مانند کلمات رادیو و تلویزیون و تلگراف و تلفن از استعمال غیر قابل اجتناب‏ شناخته خواهد شد چنانچه ناسیونال و لوموند هم جای واژه فارسی را گرفته.این حمله‏ بزبان فوق العاده شدید و با جدیت دنبال میشود بطوریکه 90 درصد مغازه‏ها و خرازیها کلمه بیگانه را نام خود قرار داده‏اند،بوتیک که بمعنی دکان است و مزون که ترجمهء تحت الفظی آن خانه و تجارتخانه است نام مغازه شده است آن شخصیکه نام مغازه‏ خود را شرت نایس یا مزون لاو گذاشته بیشتر میتواند اجناس بنجل خود را بمردم به گران و بنام کالاهای خارجی قالب کند و صاحب دکان الیزه یا مارسل بلان به این ترتیب‏ جنس را گرانتر از مغازهء میفروشد که اسم مغازه خود را جهان یا بهار یا لاله‏زار گذاشته‏ است.میترسم روزی برسد خیابان لاله‏زار خیابان مولن روژ و سکینه خانم هم اسم‏ دختر خود را فیکوس بگذارد و استاد محمد نجار نام مولود جدید خود را ژاکب و همانطوریکه کله‏پزی ویکتور هوگو و اطوکشی چارلی مد شده است.

این تعدی و تجاوز به ادبیات و زبان ما طوری است که قابل اغماض و چشم‏پوشی‏ نیست.یک راه ساده دارد که انجمن شهر برای دکانهائیکه از اسامی خارجی استفاده‏ می‏کنند عوارض وضع کند مثلا برای هر تابلو ماهی دویست تومان الهی هزار تومان‏ عوارض بگیرند بهار چه عیب دارد که مسیو اسم دکان خود را پرنتان گذاشته یا رستوران‏ اگراناد و چرا اسم خود را بهشت نگذاشته البته اگر میگذاشت بستنی را باید بجای‏ 50 ریال 5 ریال میفروخت.رستورانی در جاده کرج بنام سینیور پاپانه وجود دارد و هکذا.

یاد دارم که در دوران اعلیحضرت فقید شهرداری دستور داد که نام مؤسسات به‏ فارسی تبدیل شود،مهمانخانه آستور نام خود را آستارا و مغازه کنی اسم خود را کاکوتی و مهمانخانه ساوآ به مهمانخانه ساوه تبدیل گردید در چند سال اخیر نیز چنین‏ دستوری از طرف شهرداری بموقع اجرا گذاشته شد بلافاصله کینگز هتل کیان هتل‏ شد و سینما پلازا سینما نصرت که بعقیده من هم این اسم از نامهای فرنگی بهتر و قشنگ‏تر میباشد اگر در شیرینی زبان فارسی عیب و نقصی و علتی بود ما مردم حق‏ میدادیم(آنهم برخلاف ملیت و قومیت)که اسامی از قبیل اگزانادو-باربکیو- گریل-سورنتو-چاتانوگا و سینیور پاپاته بگذاریم فکر میکنم این حمله بیشرمانه‏ بزبان فارسی است هرکس عمدا یا از روی جهل و نادانی دست به این کار میزند وطن‏ پرست نیست و باید جلو اعمال اشخاص سبکسر را گرفت دارا و شاهرخ و فرح چه عیبی‏ دارند که آدم نام مولود خود را الیزابت ویکتوریا ژان بگذارد.